

درس دوم

مبحث اعداد

اعداد:

در عربی دو نوع عدد داریم:
عدد اصلی برای شمارش و عدد ترتیبی برای بیان رتبه‌بندی و هر دسته قواعد جداگانه‌ای دارند:

اعداد اصلی:

اعداد اصلی (یک تا بیست)	
واحد (یک)	أَحَدٌ عَشَرَ (یازده)
اِثْنَانِ (دو)	إِثْنَانِ عَشَرَ (دوازده)
ثَلَاثَةٌ (سه)	ثَلَاثَةٌ عَشَرَ (سیزده)
أَرْبَعَةٌ (چهار)	أَرْبَعَةٌ عَشَرَ (چهارده)
خَمْسَةٌ (پنج)	خَمْسَةٌ عَشَرَ (پانزده)
سِتَّةٌ (شش)	سِتَّةٌ عَشَرَ (شانزده)
سَبْعَةٌ (هفت)	سَبْعَةٌ عَشَرَ (هفده)
ثَمَانِيَةٌ (هشت)	ثَمَانِيَةٌ عَشَرَ (هجده)
تِسْعَةٌ (نه)	تِسْعَةٌ عَشَرَ (نوزده)
عَشْرَةٌ (ده)	عَشْرُونَ (بیست)

الف) عدد ۲ و ۱: همواره بعد از معدود خود می‌آیند، از نظر جنس مطابق معدودند و نقش صفت دارند.

مثال: کتابٌ واحدٌ، تلميذتان اثنتان

ب) اعداد ۱۰-۳: همواره قبل از معدود می‌آیند، از نظر جنس مخالف معدود هستند و معدود آن‌ها همیشه به صورت جمع می‌آید.

مثال: ستّة ايام

ج) عدد ۱۱-۱۲: دو جزءشان از جهت جنس مثل هم می‌آید، معدودشان مفرد است و از نظر جنس مطابق معدود هستند. معدود بعد از عدد می‌آید.
أَحَدٌ عَشَرَ كُوكِبًا

د) اعداد ۱۹-۱۳: دو جزءشان از نظر جنس مخالف هم هستند. همواره قبل از معدود می‌آیند، معدودشان مفرد است و از نظر جنس مطابق معدود هستند: ستّة عَشَرَ تلميذًا

نکته: یادآوری: حواستان باشد که از عدد ۱۹-۱۱ بین یکان و دهگان «و» نداریم!

ه) اعداد عقود (۹۰ و ۸۰ / ۷۰ / ۶۰ / ۵۰ / ۴۰ / ۳۰ / ۲۰) همواره به صورت ثابت به کار می‌روند و ربطی به جنس ندارند. همواره قبل از معدود می‌آیند و معدودشان هم مفرد است. عِشْرِينَ تلميذًا، ثلاثون كتابًا

و) اعداد ترکیبی (۹۹-۲۱) به جز عقود: این اعداد هم همواره قبل از معدود قرار می‌گیرند، از نظر جنس اگر یکان «۲ و ۱» باشد موافق معدود و اگر یکان «۳-۹» باشد، مخالف آن می‌آیند و اسم آن‌ها هم به صورت کلی به صورت مفرد می‌آید. واحداً و ستين كتاباً ستّة و عشرين كتاباً

√×: رقم یکان + و + دهگان + معدود

نکته
مهم ترجمه:

همواره معدود در زبان فارسی به صورت مفرد ترجمه می‌شود.

اعداد ترتیبی (یکم تا بیستم)	
الأول (یکم)	الحادی عشر (یازدهم)
الثانی (دوم)	الثانی عشر (دوازدهم)
الثالث (سوم)	الثالث عشر (سیزدهم)
الرابع (چهارم)	الرابع عشر (چهاردهم)
الخامس (پنجم)	الخامس عشر (پانزدهم)
السادس (ششم)	السادس عشر (شانزدهم)
السابع (هفتم)	السابع عشر (هفدهم)
الثامن (هشتم)	الثامن عشر (هجدهم)
التاسع (نهم)	التاسع عشر (نوزدهم)
العاشر (دهم)	العشرون (بیستم)

جز عدد «اول» و مؤنث آن «أولی» که بر وزن **افعل و فعلى** آمده‌اند و اسم تفضیل محسوب می‌شوند، مابقی بر وزن **فَاعِل** می‌آیند (از عدد ده به بعد، یکان بر وزن فاعل می‌آید). اعداد عقود هم همچنان به شکل ثابت خود (با گرفتن «ال») می‌آیند. این اعداد معمولاً نقش **صفت** را دارند.

مثال: درس الزایع / الباب الثانی

در اعداد ترتیبی دو رقمی هم، ابتدا یکان و بعد دهگان را می‌آوریم: الزایع و العشرین، الخامس و ثلاثون

بیان ساعت:

در بیان ساعت از اعداد ترتیبی به صورت مؤنث استفاده می‌کنیم، و برای بیان دقیقه از اعداد اصلی کمک می‌گیریم. فقط در بیان ساعت یک از عدد اصلی «الواحدة» استفاده می‌کنیم.

عبارات «ربع، نصف، آل ربعا» به معنی «۱۵، ۳۰ و ۴۵» هستند (آل) به تنهایی به معنی «مانده به» ترجمه می‌شود.

اعمال ریاضی با اعداد:

زائد: علاوه ناقص: منهای فی: ضربدر تقسیم: تقسیم

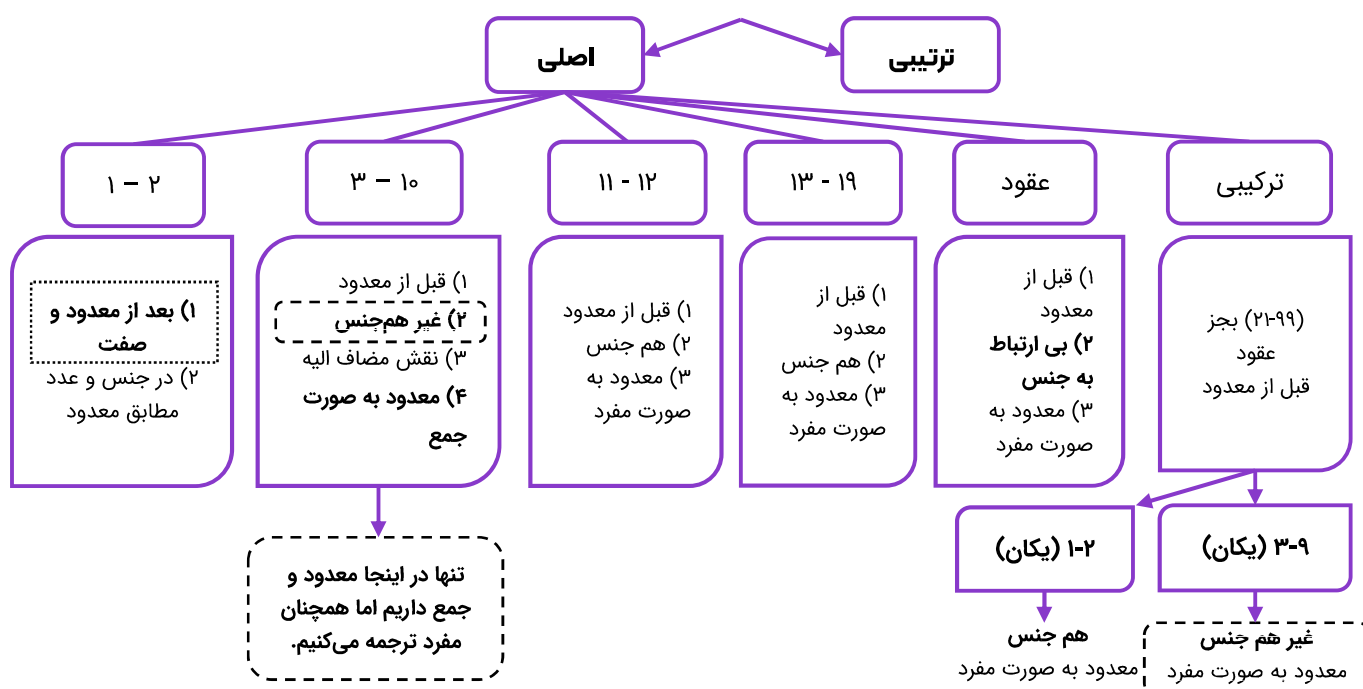
بیان درصد: «بالمائة» یا «فی المائة»

سه حرف اصلی عدد بر وزن «فعل» = عدد/۱ مثال: خمس ۱/۵، ربع ۱/۴، ثلث ۱/۳

روزهای هفته را باید به زبان عربی بلد باشید:

السبت / الأحد / الإثنين / الثلاثاء / الأربعاء / الخميس / الجمعة

اعداد



سوالات پاسخ کوتاه

ترجمه‌ی موارد زیر؟

تسعة و عشرين رجلاً، الثامن و الثلاثون، سبعة كتب، ثلاثة عشر تلميذاً، ثلاثة و عشرين تلميذاً، الامام الثامن، مئات الطيور، الساعة الثالثة الاربعاء، خمس سكان العالم

پاسخ سوال زیر؟

یوم الرابع من ايام الاسبوع ←

تجزیه و ترکیب جعلاتی از کتاب

مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ اَرْبَعِينَ صَبَاحًا ظَهَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ

من مبتدا - اخلص فعل شرط (باب افعال) - لله (ل + الله) جارومجرور - اربعين (عدد عقود) - صباحاً (معدود) - ظهرت فعل ماضی - ينابيع فاعل (مفردش : ينبوع) - الحكمة (مضاف اليه) - من قلب (جار ومجرور) - ه مضاف اليه - على لسان جارومجرور - ه مضاف اليه

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا اِبنَاءَ الَّذِيْنَ آمَنُوا مَعَهُ

لما ظرف زمان - جاء فعل ماضی - هم مفعول - بالحق جارومجرور - من عند جارومجرور - نا مضاف اليه - قالوا فعل ماضی - اقتلوا فعل امر و فاعلش ضمير بارز (واو) - ابناء مفعول - الذين مضاف اليه - آمنوا فعل ماضی از باب افعال - مع ظرف - ه مضاف اليه

إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ

إن حرف مشبهه بالفعل - ي اسم إن - رأيت خبر إن و (ت) فاعل - احد عشر مفعول - كوكباً (معدود) - الشمس و القمر معطوف - هم مفعول - لي (ل + ي) جارومجرور - ساجدين حال (اسم فاعل)

النَّمْلَةُ تَقْدُرُ عَلَى حَمْلِ شَيْءٍ يَفُوقُ وَزْنَهَا خَمْسِينَ مَرَّةً

النملة مبتدا - تقدّر خبر - على حمل جارومجرور - شئ مضاف اليه - يفوق (فعل مضارع) جمله وصفیه - وزن فاعل- ها مضاف اليه - خمسين مفعول (عدد عقود) - مرة (معدود)

هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ ثَمَانِينَ فِي الْمِئَةِ مِنْ مَوْجُودَاتِ الْعَالَمِ حَشَرَاتٌ؟!

هل (حرف است و نقش ندارد) - تعلم فعل مضارع و فاعلش ضمير مستتر أت - أن حرف مشبهه بالفعل - ثمانين اسم إن - في المئة جارومجرور - من موجودات جارومجرور - العالم مضاف اليه - حشرات خبر أن

حل تست

۳- «في العاشرة من عمري، يوماً كنت أبكي لأنني أمشي بدون حذاء، ولكنني توقفت عن البكاء عندما رأيت شخصاً ليست له رجل!»

(۱) در ده سالگی از عمرم، روزی گریه می‌کردم، زیرا بدون کفش راه می‌رفتم، اما از گریه کردن باز ایستادم هنگامی که شخصی را دیدم که پا نداشت!

(۲) در ده سالگی، روزی می‌گریستم به خاطر این‌که بدون کفش‌هایم حرکت می‌کردم، اما از گریه دست برداشتم زمانی که کسی را بدون پا دیدم!

(۳) روزی در سن ده سالگی گریه کردم، چه من بدون کفش حرکت می‌کردم، ولیکن از گریه باز ایستادم وقتی شخصی بدون پا را دیدم!

(۴) روزی در سن ده سالگی‌ام اشک می‌ریختم به دلیل نداشتن کفش، ولی جلو گریستن خود را گرفتم وقتی کسی را دیدم که پا نداشت!

۴- عَنِ الْخَطِّ عَنْ تَعْيِينِ السَّاعَةِ: الثَّانِيَةِ عَشْرَةَ إِلَّا رِبْعًا:

(۱) ۱۱:۴۵ (۲) الحادية عشرة و خمس و أربعون دقيقة

(۳) ۱۱ و ۳۰ دقیقه (۴) ۱۲ إلا خمس عشرة دقيقة

کنکور ریاضی داخل ۱۴۰۰

۵- «خمسو و تسعون بالمائة من تلاميذ هذا الصف أصبحوا فائزين في إمتحانات نهاية السنة!»:

(۱) نود و پنج نفر از شاگردان این کلاس در امتحانات پایان امسال پیروز شدند!

(۲) نود و پنج نفر از صد نفر از شاگردان این کلاس در امتحانات پایان امسال پیروز شدند!

(۳) نود و پنج درصد از دانش‌آموزان این کلاس در امتحانات پایان سال موفق شدند!

(۴) نود و پنج درصد از دانش‌آموزان کلاس در امتحانات آخر سال موفق شدند!

۱- «كل يوم أركب السيارة في الساعة السادسة و النصف حتى أصل إلى بيتنا في الثامنة إلا ربعاً!»:

(۱) هر روز ساعت شش و نیم سوار ماشین میشوم تا یک ربع به هشت مانده به خانه مان برسم!

(۲) ساعت شش و نیم هر روز سوار اتومبیل می شوم تا اینکه ساعت هشت و ربع به خانه مان برسم!

(۳) همه روزه ساعت شش و نیم سوار تاکسی می شدم و در ساعت یک ربع به هشت به خانه می رسیدم!

(۴) ساعت شش و نیم همه روزه سوار تاکسی میشدم و در ساعت هشت یک ربع کم به خانه می رسیدم!

کنکور سراسری خارج از کشور ۱۳۹۸

۲- « قَزَرْتُ مَعَ أُخْتِي الصُّغْرَى أَنْ نَذْهَبَ غَدًا رَأْسَ السَّاعَةِ التَّاسِعَةِ وَ النَّصْفِ إِلَى الْمَتْحَفِ لِمُشَاهَدَةِ الْآثَارِ التَّارِيخِيَّةِ! »:

(۱) با خواهر کوچکم قرار گذاشتیم فردا سر ساعت نه و نیم برای بازدید از آثار باستانی به موزه برویم!

(۲) من با خواهر کوچکترم قرار گذاشتم؛ سر ساعت نه و نیم فردا به دیدار آثار باستانی موزه ها برویم!

(۳) من و خواهرم صغری قرار گذاشتیم رأس ساعت نه و نیم فردا به مشاهده آثار تاریخی موزه ها برویم!

(۴) با خواهر کوچکترم قرار گذاشتم که فردا رأس ساعت نه و نیم برای مشاهده آثار تاریخی به موزه برویم!

کنکور سراسری زبان داخل ۱۳۹۹

۴) فصلُ الخریف فی السنة الإيرانية قبل الفصل الرابع: فصل پاییز در سال ایرانی قبل از فصل چهارم است!

۱۲- عین الصحیح:

۱) ثمانية و تسعون ناقص ثلاثة و خمسين يساوي خمسة و أربعين: ۵۴ = ۳۵ - ۸۹

۲) يوم ميلادي في اليوم السادس عشر من الشهر السابع من السنة: روز تولد من، در روز هفدهم از ماه ششم سال است!

۳) في الساعة الثانية خمس حجات من فندقنا فارغة: در ساعت دو، پنجمین اتاق هتل ما خالی است!

۴) سألتی مَعلَی اثنی عشر سؤالاً من أربعة دروس أولى: معلّم از من دوازده سوال از چهار درس اول پرسید!

۱۳- عین الصحیح:

۱) نحنُ نَسْكُنُ في الطابق الأول من بيتِ ذی طابقين: ما در طبقه اول از یک خانه دو طبقه سکونت داریم،

۲) و يوجد فيه ستُ عُرف صغيرة و غرفة كبيرة: و در آن شش اتاق کوچک و بزرگ وجود دارد،

۳) و شاهدتُ فی إحداها ستُ منضدات و أحد عشر كرسيّاً: و در یکی از آن‌ها، نه میز و یازده صندلی دیدم،

۴) و خمسين كتاباً كانَ علیها أربع جوائز: و پنجاه کتاب که بالای آن‌ها چهار جوایز بود!

۱۴- عین الخطأ:

۱) راجعتُ إلى مكتبةِ جامعتنا خمس مَرات لأخذ كتابٍ واحدٍ: برای گرفتن یک کتاب، پنج بار به کتابخانه دانشگاهمان مراجعه کردم!

۲) كانت غُطلة المدارس ثمانية عشر يوماً سافرتُ سبعة أيام منها فقط: تعطیلی مدارس هجده روز بود؛ فقط روز هفتم از آن را سفر کردم!

۳) يوم ميلادِ زميلي، في اليوم السادس من الشهر الرابع من السنة: روز تولد همکلاسی‌ام، در روز ششم از ماه چهارم از سال است!

۴) لی تسعةُ أصدقاء لكن ما ساعدنی لحلّ مشاكلی إلا اثنان منهم: تُه دوست دارم، اما برای حل مشکلاتم، تنها دو تن از آن‌ها به من کمک کردند!

۱۵- «مقدمه کتابم پنج صفحه است و چهار سال پیش آخرین صفحه آن را نوشتم»:

۱) مقدمه کتابی خمس صفحات و کتبت آخر صفحه منها قبل أربع سنوات! ۲) لکتابی خمس صفحات من المقدمة و کتبت آخر صفحه منه قبل رابع سنوات!

۳) الصفحات الخامسة لمقدمة کتابی و قبل أربع سنوات قد کتبت الصفحة الأخيرة منه!

۴) هناك خمسة صفحات لمقدمة کتابی و قبل رابع سنين کتبت الصفحة الأخيرة منها!

کنکور سراسری ریاضی داخل ۱۳۹۵

۱۶- «در صفحه ششم از درس نهم پنج کلمه آمده که دوتای آن‌ها مفهومی ندارند»:

۱) جاءت في الصفحة السادسة من الدرس التاسع خمس كلمات، كلمتان منها بدون مفهوم!

۲) کُتبت في الصفحة السادسة من درس التاسع خمسة كلمات، كلمتان إثنان منه غير مفهوم!

۳) ورد في ست صفحات من تسعة دروس خمس كلمات، كلمتان منه بدون مفهوم!

۴) ورد في ست صفحات من تسع دروس خمسة كلمات، إثنان منها غير مفهوم!

کنکور سراسری تجربی داخل ۱۳۸۹

۱۷- «مدیر مدرسه و سه معاون او تصمیم گرفتند برای تجلیل از پدران شهید پنج دانش‌آموز، مراسمی برپا کنند»:

۱) قصد مدير المدرسة و خمسة معاونيه أن يكرموا الآباء الشهيد لثلاثة طلبة!

۲) مدير المدرسة و ثلاثة معاونينه عزموا أن يكرموا ذكرى الآباء الشهيد لخسة تلاميذ!

۶- «و لقد أرسلنا نوحاً إلى قوميه فلبث فيهم ألف سنةٍ إلا خمسين عاماً»:

و همانا

۱) نوح را به سوی قومش فرستادیم؛ پس هزار و پنجاه سال در میان آن‌ها ماند!

۲) نوح را به جانب قومش فرستادیم؛ پس در میان آن‌ها نهصد و پنجاه سال درنگ کرده بود!

۳) نوح به سوی قومش فرستاده شد؛ پس در میان آن‌ها به مدت نهصد و پنجاه سال درنگ کرد!

۴) نوح را به جانب قومش فرستادیم؛ پس در میان آن‌ها نهصد و پنجاه سال درنگ کرد!

۷- «هناك في مزرعتنا ثمانية أشجار تفاح و تُقسّم ثمرة الشجرة الرابعة على ست عشرة أسرة»:

۱) هشت درخت سیب در مزرعه ما وجود دارد و میوه چهار درخت آن را میان نوزده خانواده تقسیم کردیم!

۲) در مزرعه ما هشتمین درخت سیب کاشته شد و میوه درخت چهارم بر شانزده خانواده تقسیم می‌شود!

۳) در کشتزارمان هشت درخت سیب هست و میوه درخت چهارم را بر شانزده خانواده تقسیم می‌کنیم!

۴) هشت درخت سیب آن‌جا در مزرعه‌مان وجود دارد که میوه چهار درخت میان نوزده خانواده تقسیم می‌شود!

۸- «قال لنا موظف استقبال الفندق: جهّزنا غرفة أربعمائة و أربع و ثمانين لكم أربعة أشخاص، و هذا مفتاح غرفتكم»:

۱) مسئول پذیرش هتل به ما گفت: اتاق چهارصد و هشتاد و چهار را برای شما چهار نفر آماده کرده‌ایم و این کلید اتاق شماست!

۲) مسئول پذیرش در هتل به ما گفت: برای شما چهار نفر اتاق چهارصد و چهل و هشت را آماده کردیم و این کلید اتاقتان است!

۳) به ما مسئول پذیرش هتل گفت: اتاق چهارصد و هشتاد و چهار را برایتان که چهار نفر هستید آماده کرده‌ایم و این کلید اتاقتان است!

۴) مسئول پذیرش هتل به ما گفت: ما برای چهار نفر اتاق چهارصد و چهل و هشت را آماده کرده بودیم، این نیز کلید اتاق شماست!

۹- «لقد أرسلنا نوحاً إلى قوميه فلبث فيهم ألف سنةٍ إلا خمسين عاماً»:

۱) قطعاً ما نوح را به سوی قومش فرستادیم پس او نود و پنج سال میان آنان درنگ کرد!

۲) به راستی نوح را به سوی قومش فرستادیم پس وی نهصد و پنجاه سال میانشان درنگ کرد!

۳) قطعاً نوح را به طرف قومش ارسال کردیم و او هزار سال را به جز پنجاه سال آن‌جا درنگ می‌کند!

۴) به راستی نوح را به طرف قوم خود ارسال کرده‌ایم که او صد سال را پنج سال کم، در بین آنان درنگ کرد!

۱۰- «هناك مشاكل على الطريق إلى الدراسة يجب أن تُفكر في حلّها عشر مَرات»:

۱) آن‌جا مشکلاتی در راه تحصیلمان وجود دارد که لازم است ده‌ها بار به حلّ آن فکر کنیم!

۲) مشکل‌هایی در مسیر درس خواندن وجود دارد که باید ده بار به حلّ آن بیندیشیم!

۳) مشکل‌هایی هست که باید در راه تحصیلات، مجدّانه در حلّ آن ده‌ها بار فکر کنیم!

۴) مشکل‌هایی در مسیر درس خواندن هست که باید ده مرتبه در حلّ آن‌ها اندیشید!

۱۱- عین الخطأ:

۱) في الموسم الرابع من العام، رأيت سبعة نجوم لامعة: در فصل چهارم سال، هفتمین ستاره نورانی را دیدم!

۲) إحدى علامات المؤمن الخمسة هو الصدق: یکی از علامت‌های پنج‌گانه مؤمن راستگویی است!

۳) جاء صديقي بهديّة لحفلة ميلادي للمرّة الأولى: دوستم برای نخستین بار هدیه‌ای برای جشن تولدم آورد!

۳) مدیرالمدرسة و خمسة معاونينه قصدوا أن يعقدوا المراسيم لتكريم آباء شهداء لثلاثة طلبة!

۴) عزم مدير المدرسة و ثلاثة معاونيه أن يعقدوا مراسيم لتكريم الآباء الشهداء لخمسة تلاميذ!

کنکور سراسری زبان داخل ۱۳۹۲

۱۸- «در روستای ما دو مدرسه است و هر مدرسه دوازده کلاس دارد و در حیاط آن‌ها نه درخت کاشته شده است!»:

۱) فی قریتنا مدرستان ولکل مدرسة اثناعشر صفًا، و قد عُرسَتْ فی ساحتها تسع شجرات!

۲) كانت مدرستان فی قریتنا و فی کلّ مدرسة أحد عشر صفًا و عُرسَتْ فی الساحة تسع شجرات!

۳) هناك مدرستان فی قریتنا و لكل المدرستین أحد عشر صفًا و غرسوا فی کلّ ساحة تسع شجرات!

۴) قد بُنيت مدرستین فی قریتنا و فی کلّ مدرسة اثناعشر صفًا و غرسوا فی الساحة لهما تسع أشجار!

کنکور سراسری خارج ۱۳۹۲

۱۹- «اگر هر روز چهار ساعت درس بخوانی، بعد از یازده روز برای شرکت در همه امتحانات آماده خواهی بود!»:

۱) إن كنت درست أربع ساعات کلّ يوم، بعد أحد و عشر يوماً تكون مستعداً للاشتراك فی جميع الامتحانات!

۲) إن تدرس أربع ساعات فی کلّ يوم، فستكون جاهزاً للإشتراك فی جميع الامتحانات بعد أحد عشر يوماً!

۳) إذا درست فی کلّ الأيام أربع ساعات حتّى يوم أحد عشر، كنت جاهزاً لجميع الامتحانات!

۴) إذا تدرس لأربع ساعات کلّ يوم حتّى أحد و عشر يوماً، ستكون مستعداً للامتحانات کلّها!

کنکور سراسری تجربی داخل ۱۳۹۳

۲۰- «سه دوست باوفا از ساعت چهار در کلاس شروع به مطالعه کتابی علمی کردند!»:

۱) بدأ ثلاث أصدقاء الأوفياء يطالعون فی أربع ساعات كتاباً علمياً فی الصف!

۲) بدأت الصديقة الثالثة الوفية تطالع الساعة الرابعة الكتاب العلمی فی الصف!

۳) بدأ ثلاثة أصدقاء أوفياء يطالعون من الساعة الرابعة كتاباً علمياً فی الصف!

۴) بدأت ثلاث صديقات وفيات طالعن كتاباً علمياً الساعة الرابعة فی الصف!

کنکور سراسری انسانی داخل ۱۳۹۹

۲۱- «تألیفات ابن هیثم در ستاره‌شناسی بالغ بر ۲۴ جلد است!»:

۱) إن تألیفات ابن الهیثم فی علم الأفلاک تزيد علی عشرين و أربعة مجلداً!

۲) إن مؤلفات ابن الهیثم فی علم الفلك زائدة علی عشرين و أربع جلدًا!

۳) تألیفات ابن الهیثم فی الأفلاک أكثر من أربع و عشرين جلدًا!

۴) مؤلفات ابن الهیثم فی الفلك تبلغ أربعة و عشرين مجلداً!

کنکور سراسری معارف خارج ۱۳۹۹

۲۲- «در صفحه هشتم این کتاب سه خطا وجود داشت، دو تا از آن‌ها را اصلاح کردم و یک خطا باقی ماند!»:

۱) كان فی ثمانی صفحات من هذا الكتاب ثلاثة خطأ، صحّحت خطأین و بقى أحدها!

۲) كان فی ثمانی صفحة من هذا الكتاب ثلاثة أخطاء، صحّحت خطأین منهم و بقى أحدهم!

۳) كان فی الصفحة الثامنة من هذا الكتاب ثلاثة أخطاء، صحّحت خطأین اثنين و بقى خطأ!

۴) كان فی الصفحة الثامنة من هذا الكتاب ثلاثة أخطاء، صحّحت خطأین منها و بقى خطأ واحد!

۲۳- «در روستای ما دو مدرسه است و هر مدرسه دوازده کلاس دارد، و در حیاط آنها نه درخت کاشته شده است!»:

۱) فی قریتنا مدرستان و لكل مدرسة اثنا عشر صفًا، و قد عُرسَتْ فی ساحتها تسع شجرات!

۲) كانت مدرستان فی قریتنا و فی کلّ مدرسة أحد عشر صفًا و عُرسَتْ فی الساحة تسع شجرات!

۳) هناك مدرستان فی قریتنا و لكل المدرستین أحد عشر صفًا و غرسوا فی کلّ ساحة تسع شجرات!

۴) قد بُنيت مدرستین فی قریتنا و فی کلّ مدرسة اثنا عشر صفًا و غرسوا فی الساحة لهما تسع أشجار!

۲۴- «شش کشاورز سه نوع از محصولات کشاورزی را برای فروش به بازارهای دو شهر همجوار فرستادند!»:

۱) ستة فلاحین بُعثوا إلى أسواق المدينتين بجوار هم لیبیعوا الأنواع الثلاثة من المحاصيل الزراعية!

۲) أرسل ستة فلاحین ثلاثة أنواع من المحاصيل الزراعية إلى أسواق المدينتين المجاورتين للبیع!

۳) أرسل أنواع من محصولات الزراعة لثلاثة فلاحین إلى مراكز البیع فی بلدين اثنتين بجوارهم!

۴) بادر ثلاثة فلاحین إلى إرسال الأنواع السادسة من محصولات الزراعة إلى أسواق بلدين مجاورين للبیع!

۲۵- یک ساعت تفکر بهتر از هفتاد سال عبادت است:

۱) تفکر ساعة خیر من عبادة سبعین سنة.

۲) الساعة فی التفکر أفضل من سبعین سنة العبادات.

۳) التفکر فی الساعة خیر من العبادة من سبعین السنة.

۴) ساعة واحدة من التفکرات أفضل من سنة سبعین من العبادات.

۲۶- عین الخطأ فی ضبط حركات الكلمات:

۱) سِتَّة فی أَحَدَ عَشَرَ يُساوِ سِتَّةً و سِتِّین!

۲) من غلامات المؤمن الوزغ فی الخلوة و الصدقة فی القلة!

۳) إبحث عن قصة قرآنية قصيرة باللغة العربية فی الإنترنت!

۴) انزل الله تسعة و تسعيناً جزءاً من الرحمة للخلق!

۲۷- عین الخطأ فی قراءة الكلمات من العبارات التالية:

۱) حُسْنُ الأدب یَسْتَرْ فُبح النَّسَب!

۲) إِنَّكَ مَنْ تَدْخِل النَّارَ فَقَدْ أَخْرَجْتَهُ!

۳) إنتظرْ صديقی من الساعة السادسة حتّى الثامنة، و لم یحضُر!

۴) سَمِعَ الإنسان یَفُوقُ سَمعَ الدلفین عشر مرّات!

۲۸- عین الخطأ فی ضبط حركات الكلمات:

۱) إِنَّهُ تَرَكَ وَلَدًا یَسْتَغْفِرُ لَهُ بَعْدَ مَوْتِهِ!

۲) یَکفی طَعَامُ الواحدِ الإثنينِ عِنْدَ الأَصْدِقاءِ!

۳) یَجْرى أَجرٌ حفر البئر للعباد حتّى بعد الموت!

۴) هُما یَتَنَاجیان فلا تَدْخُلَ بَینَهما أبداً!

۲۹- عین جواباً صحیحاً للسؤالین علی الترتیب:

«کم الساعة الآن، الساعة الآن هی (۵/۵۰)!» «کم الساعة؟ الآن، الساعة الآن هی (۱۰/۵۰)!»

۱) الحادية عشرة إلا عشر دقائق-السادسة إلا عشر دقائق

۲) السادسة إلا عشر دقائق-العاشرة و خمس دقائق

۳) الخامسة و خمس دقائق-العاشرة و خمس دقائق

۴) السادسة إلا عشر دقائق-الحادية عشرة إلا عشر دقائق

۳۰- عین الصحیح:

۱) تسعة و تسعون ناقص خمسة و عشرين يُساوی سبعة و أربعین!

۲) إثنان و أربعون فی إثنين يُساوی أربعة و سبعین!

۳) خمسة و ثلاثون تقسیم على خمسة يُساوی سبعة!

۴) تسعة و أربعون زائد ثلاثة و عشرين يُساوی ثلاثة و سبعین!

۳۱- عین الصحیح للفراغین:

ذهبتُ مع أحد عشر زمیلاً من زملائی إلى المكتبة فی الساعة السابعة صباحاً، رجع مِئاً زمیلان اثنان ولکننا بقینا خمس ساعات هناك، عند الرجوع كان عددا أشخاص و كانت الساعة!

۱) عشرة / ثانی عشر!

۲) تسعة / ثانی عشر!

۳) عشرة / الثانية عشرة!

۴) تسعة / الثانية عشرة!

٤) أَرْبَعَةٌ وَ ثَلَاثُونَ-الخامس-تِسْعَةٌ عَشَرَ
٤٣- عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلجَوَابِ عَنِ السُّؤَالِ:
«تَبْدَأُ أَعْمَالُ الْمَكْتَنَبَاتِ الْعَامَّةِ فِي السَّاعَةِ الثَّامِنَةِ إِلَّا ثَلَاثًا». فِي أَيَّةِ سَاعَةٍ تَبْدَأُ
الأَعْمَالُ؟

١) ٧:٢٠ (٢) ٧:٤٠ (٣) ٨:٢٠ (٤) ٨:٤٠
٤٤- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الْعَدَدِ:

١) عَشْرُونَ رِيَالًا فِي خَمْسَةِ يَسَاوِي مِائَةَ رِيَالًا
٢) تِسْعُونَ رِيَالًا نَاقِصَ عَشْرِينَ يَسَاوِي سِتِّينَ رِيَالًا
٣) أَحَدُ عَشَرَ رِيَالًا زَائِدَ تِسْعَةِ يَسَاوِي سَبْعَةَ رِيَالَاتٍ
٤) ثَمَانُونَ رِيَالًا تَقْسِيمَ عَلَى عَشْرِينَ يَسَاوِي أَرْبَعِينَ رِيَالًا

٤٥- كَمْ زَهْرَةٍ نَبَتَتْ عَلَى الْفَرْسِ؟ نَبَتَ مِنْ غَرْسِ ثَلَاثَةِ أَغْصَانٍ فِي السَّنَةِ
الْأُولَى وَ بَعْدَ أَيَّامٍ ظَهَرَتْ عَلَى كُلِّ مِنْهَا سَبْعُ أَزْهَارٍ إِلَّا عَلَى الْغَصْنِ الثَّالِثِ بَلْ
نَبَتَتْ عَلَيْهِ تِسْعُ أَزْهَارٍ:

١) وَاحِدَةٌ وَ عَشْرُونَ (٢) اثْنَتَانِ وَ عَشْرُونَ
٣) ثَلَاثٌ وَ عَشْرُونَ (٤) سِتٌّ عَشْرَةٌ

٤٦- عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِينَ:
ذَهَبَتْ مَعَ أُسْرَتِي إِلَى سَفَرَةٍ يَوْمَ الْأَحَدِ، طَالَتْ سَفَرَتُنَا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ. رَجَعْنَا فِي
السَّاعَةِ السَّابِعَةِ صَبَاحًا، كُنَّا خَمْسَ سَاعَاتٍ فِي الطَّرِيقِ. فَوَصَلْنَا فِي السَّاعَةِ
..... مِنْ يَوْمٍ إِلَى بَيْتِنَا:

١) الثَّانِي عَشَرَ / الثَّلَاثَاءُ (٢) الثَّانِيَةِ عَشْرَةِ / الْأَرْبَعَاءُ
٣) الثَّانِي عَشَرَ / الْأَرْبَعَاءُ (٤) الثَّانِيَةِ عَشْرَةِ / الْأَثْنَيْنِ

٤٧- عَيْنُ الْعَدَدِ غَيْرَ تَرْتِيبِيٍّ:
١) أَكَلْتُ الْفُطُورَ فِي السَّاعَةِ السَّابِعَةِ صَبَاحًا!
٢) الْيَوْمَ طَالَعْنَا مَعَ أَصْدِقَانَا الْفَصْلَ الْعَاشَرَ مِنْ دَرَسِ الْفِيزِيَاءِ!
٣) أَرِيدُ مِنْ أَخِي أَنْ يُعْطِيَنِي وَاحِدًا مِنْ أَحْذِيَّتِهِ الرِّيَاضِيَّةِ غَدًا!
٤) يَقُولُ الْجَابِرُ لِقَمَالِهِ: يَجِبُ عَلَيْنَا أَنْ نَزْرَعَ فِي أَرْضِنَا وَ الثَّانِي تَمْلِكُ مَرْزَعَةً
جَارِنَا!

٤٨- عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِينَ:
كَانَ فِي فَرِيقِنَا أَحَدُ عَشَرَ لَاعِبًا. طَالَ لَعِبُنَا مَدَّةَ سَاعَتَيْنِ. قَضَتْ عَشْرُونَ دَقِيقَةً
مِنَ اللَّعْبِ. جَرَحَ لَاعِبَانِ إِثْنَانِ مِتًّا وَاضِل لَاعِبَيْنِ الْمُبَارَاةَ لِمَدَّةٍ
..... دَقِيقَةً إِلَى نِهَآيَةِ اللَّعْبِ:

١) سَبْعَةٌ / سَاعَةٌ وَ أَرْبَعِينَ
٢) تِسْعَةٌ / سَاعَتَيْنِ وَ عَشْرِينَ
٣) سِتَّةٌ / سَاعَتَيْنِ إِلَّا عَشْرِينَ
٤) تِسْعَةٌ / سَاعَةٌ وَ أَرْبَعِينَ

٤٩- عَيْنُ الْمُنَاسِبِ لِلْفَرَاغِينَ: أَيَّامَ الْإِسْبُوعِ وَ الْيَوْمَ الْوَسْطَ مِنْهَا
.....

١) سَبْعَةٌ / اثْنَيْنِ (٢) سَبْعَةٌ / ثَلَاثَاءُ
٣) سَابِعَةٌ / الْإِثْنَيْنِ (٤) سَابِعَةٌ / ثَلَاثَاءُ

٥٠- عَيْنُ الْعَدَدِ مِنَ الْعُقُودِ:
١) يَجْلِسُ وَرَائِي تِسْعَةُ عَشَرَ طَالِبًا
٢) أَنَا أَجْلِسُ عَلَى الْكَرْسِيِّ الْخَامِسِ.
٣) لَنَا تِسْعَةُ مُعَلِّمِينَ لِكُلِّ الدَّرُوسِ.
٤) فِي صَفِّنَا أَكْثَرَ مِنْ ثَلَاثِينَ طَالِبًا.

٣٢- عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِينَ:
«ذَهَبْتُ مَعَ أُسْرَتِي إِلَى سَفَرَةٍ يَوْمَ الْأَحَدِ، طَالَتْ سَفَرَتُنَا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ. رَجَعْنَا فِي
السَّاعَةِ السَّابِعَةِ صَبَاحًا، كُنَّا خَمْسَ سَاعَاتٍ فِي الطَّرِيقِ، فَوَصَلْنَا فِي السَّاعَةِ
..... مِنْ يَوْمٍ إِلَى بَيْتِنَا!»

١) الثَّانِي عَشَرَ / الثَّلَاثَاءُ (٢) الثَّانِيَةِ عَشْرَةِ / الْأَرْبَعَاءُ
٣) الثَّانِي عَشَرَ / الْأَرْبَعَاءُ (٤) الثَّانِيَةِ عَشْرَةِ / الْإِثْنَيْنِ

٣٣- عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ: «نَجَحَ سَعِيدٌ فِي الْمُسَابَقَةِ وَ حَصَلَ عَلَى
الْجَائِزَةِ الذَّهَبِيَّةِ، فَهُوَ الْفَائِزُ ...!»

١) الْأَحَدُ (٢) الْأَوَّلُ
٣) الْوَاحِدُ (٤) الْأَوَّلَى

٣٤- عَيْنُ الْمُنَاسِبِ لِلْفَرَاغِينَ: «أَيَّامَ الْإِسْبُوعِ وَ الْيَوْمَ الْوَسْطَ مِنْهَا
.....!»

١) سَبْعَةُ-إِثْنَيْنِ (٢) سَبْعَةُ-ثَلَاثَاءُ
٣) سَبْعَةُ-الْإِثْنَيْنِ (٤) سَبْعَةُ-ثَلَاثَاءُ

٣٥- «أَلْفُصْلٌ مِنْ السَّنَةِ هُوَ فَضْلُ الْخَرِيفِ وَ لَهُ يَوْمًا.»
إِنْتَجِبِ الْعَدَدَيْنِ الْمُنَاسِبَيْنِ:

١) الثَّانِي-ثَلَاثُونَ (٢) الثَّلَاثَةُ-تِسْعُونَ
٣) الثَّالِثُ-تِسْعُونَ (٤) الرَّابِعُ-ثَلَاثُونَ

٣٦- عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِينَ:
كَانَ فِي فَرِيقِنَا أَحَدُ عَشَرَ لَاعِبًا طَالَ لَعِبُنَا مَدَّةَ سَاعَتَيْنِ. قَضَتْ عَشْرُونَ دَقِيقَةً
مِنَ اللَّعْبِ. جَرَحَ لَاعِبَانِ إِثْنَانِ مِتَّاءَ وَاضِل لَاعِبَيْنِ الْمُبَارَاةَ لِمَدَّةٍ
..... دَقِيقَةً إِلَى نِهَآيَةِ اللَّعْبِ!

١) سَبْعَةٌ / سَاعَةٌ وَ أَرْبَعِينَ (٢) تِسْعَةٌ / سَاعَتَيْنِ وَ عَشْرِينَ
٣) سِتَّةٌ / سَاعَتَيْنِ إِلَّا عَشْرِينَ (٤) تِسْعَةٌ / سَاعَةٌ وَ أَرْبَعِينَ

٣٧- اِنْتَجِبِ الْمُنَاسِبَ لِتَكْمِيلِ الْفَرَاغَاتِ:
«أَرْبَعَةُ عَشَرَ مِنْ سِتَّةِ عَشَرَ وَ نِصْفِ سِتِّينَ هُوَ وَ الْحَادِي عَشَرَ
عَدَد»

١) أَقَلُّ-ثَلَاثُونَ-تَرْتِيبِي (٢) أَكْثَرُ-ثَلَاثُونَ-أَصْلِي
٣) أَقَلُّ-ثَلَاثُ-تَرْتِيبِي (٤) أَقَلُّ-الثَّالِثُ عَشَرَ-أَصْلِي

٣٨- «أَخْتِي عُمُرُهَا ثَلَاثَةُ عَشَرَ عَامًا وَ أَنَا أَكْبَرُ مِنْهَا بِخَمْسِ سَنَوَاتٍ.» كَمْ
عُمُرِي؟

١) إِثْنَا عَشَرَ عَامًا (٢) ثَمَانِيَّةٌ وَ عَشْرُونَ عَامًا
٣) ثَمَانِي سَنَوَاتٍ (٤) ثَمَانِيَّةُ عَشَرَ عَامًا

٣٩- إِذَا كَانَ الْيَوْمَ الْأَوَّلُ مِنَ الْإِسْبُوعِ (الْثَلَاثَاءُ)
إِمْلَأِ الْفَرَاغَاتِ بِجَوَابِ صَحِيحٍ عَلَى التَّرْتِيبِ: الثَّلَاثَاءُ،،،
الْجُمُعَةُ، السَّبْتُ،،

١) الْأَرْبَعَاءُ-الخَامِسُ-الوَاحِدُ-الْإِثْنَانِ
٢) الرَّبِيعُ-الخَمِيسُ-الأَحَدُ-الثَّانِي
٣) الْأَرْبَعَاءُ-الخَمِيسُ-الأَحَدُ-الْإِثْنَيْنِ
٤) الرَّابِعُ-الخَمْسَاءُ-الْأُولَى-الْإِثْنَيْنِ

٤٠- عَيْنُ الْخَطَأِ فِي الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةِ:
١) مِئَةُ نَاقِصَ خَمْسَةٍ وَ سَبْعِينَ يَسَاوِي خَمْسَةَ وَ عَشْرِينَ!
٢) ثَمَانُونَ تَقْسِيمَ عَلَى ثَمَانِيَّةٍ يَسَاوِي عَشْرِينَ!
٣) ثَمَانِيَّةٌ وَ ثَمَانُونَ تَقْسِيمَ عَلَى إِثْنَيْنِ يَسَاوِي أَرْبَعَةً وَ أَرْبَعِينَ!
٤) أَحَدُ عَشَرَ فِي سِتَّةٍ يَسَاوِي وَاحِدٌ وَ ثَمَانُونَ نَاقِصَ خَمْسَةِ عَشَرَ!

٤١- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الْعَمَلِيَّاتِ وَ الْحِسَابِيَّةِ:
١) أَرْبَعَةُ عَشَرَ زَائِدَ ثَمَانِيَّةٍ وَ ثَلَاثُونَ يَسَاوِي ثَلَاثَةَ فِي أَرْبَعَةِ عَشَرَ
٢) ثَلَاثَةُ وَ عَشْرُونَ فِي إِثْنَانِ يَسَاوِي وَاحِدٌ وَ سَبْعُونَ نَاقِصَ خَمْسَةٍ وَ عَشْرُونَ
٣) وَاحِدٌ وَ ثَمَانُونَ عَلَى ثَلَاثَةِ يَسَاوِي ثَمَانِيَّةٌ وَ تِسْعُونَ نَاقِصَ تِسْعَةٍ وَ سِتُونَ
٤) أَرْبَعَةٌ وَ سِتُونَ نَاقِصَ سِتَّةٍ عَشَرَ يَسَاوِي إِثْنَانِ وَ ثَلَاثُونَ زَائِدَ سِتَّةٍ وَ
عَشْرُونَ

٤٢- «السَّيِّدُ سَعِيدِي عُمُرُهُ عَامًا وَ ابْنُهُ فِي الصَّفِّ وَ عُمُرُهُ
..... عَامًا.» إِنْتَجِبِ الصَّحِيحَ:
١) ثَلَاثَةُ عَشَرَ-السَّابِعَ-عَشْرُونَ
٢) خَمْسَةٌ وَ أَرْبَعُونَ-التَّاسِعَ-خَمْسَةَ عَشَرَ
٣) سَبْعُونَ-الثَّمَانِيَّةَ-ثَمَانِيَّةَ عَشَرَ